

## Analysis of Saudi Foreign Policy towards Iran after the Attack on Aramco Oil Facilities in the Framework of Game Theory

Abdollah Moradi<sup>۱</sup>

Abolfazl Hashemi<sup>۲</sup>

(Received: 01/09/2023 - Accepted: 03/17/2023)

### Abstract

Iran and Saudi Arabia are two big rival in the Middle East. Saudi Arabia was against the JCPOA and try to destroy Iran deal after Donald trump victory in American president election. Riyadh had promised to increase its oil production after the US imposed an oil embargo on Iran and involved in American maximum pressure against Iran. While Saudi Arabia considered itself a strategic partner of the United States, the attack on Aramco's oil facilities changed the balance in the region entirely. The main question in this article is based on why Saudi Arabia suddenly changed its foreign policy towards Iran after the attack on Aramco oil facilities. The findings show the fact that after the withdrawal of the United States from the JCPOA, Riyadh thought that Washington would use all its options, including the military option, to intimidate Iran in confrontation with Tehran and eventually force Tehran to negotiate and give more concessions. With the time passage, America not only did not take advantage of the military option against Iran, but Washington officials have repeatedly announced that they do not think about the military option in confronting Iran. The attack on Aramco's oil facilities actually changed the balance of power in the region and showed that, contrary to what Saudi Arabia thought, America is not willing to engage in a military confrontation with Iran, or at least it is not willing to go to war with Tehran because of Riyadh. This forced Riyadh authority to rethink their foreign policy towards Tehran. Choosing the policy of negotiation and dialogue as well as accepting the mediation of Pakistan and Oman was the policy that Riyadh took towards Tehran. The method of this research is descriptive-analytical and the game theory approach has been used to analyze the research topic.

---

<sup>۱</sup> Assistant Professor, Department of International Relations, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Moradi.abdolah@gmail.com)

**Orcid Code:** <https://orcid.org/0000-0003-0081-8702>

<sup>۲</sup> M.A, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (alipapa2727@gmail.com) **Corresponding Author**

**Orcid Code:** <https://orcid.org/0009-0000-0338-2874>

**Keywords:** Iran, Saudi Arabia, Game theory, The attack on Aramco oil facilities

## تحلیل سیاست خارجی عربستان در قبال ایران پس از حمله به تاسیسات نفتی آرامکو در چارچوب نظریه بازی‌ها

عبدالله مرادی<sup>۱</sup>

ابوالفضل هاشمی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۹/۱۰/۱۴۰۱ - تاریخ تصویب: ۲۶/۱۲/۱۴۰۱)

### چکیده

عربستان یکی از مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام بود. ریاض پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، یکی از مشوقان واشنگتن در خروج این کشور از برجام بود. در حالی که عربستان خود را شریک راهبردی آمریکا می‌دانست، حمله به تاسیسات نفتی آرامکو در ۱۴ سپتامبر سال ۲۰۱۹ موازنه در منطقه را به طور کلی تغییر داد. سوال اصلی در این مقاله بر این مبنا است که چرا عربستان سعودی به ناگاه پس از حمله به تاسیسات نفتی آرامکو سیاست خارجی خود در قبال ایران را تغییر داد؟ یافته‌ها مبین این واقعیت است که پس از خروج آمریکا از برجام، ریاض تصور می‌کرد واشنگتن در تقابل با تهران از همه گزینه‌های خود از جمله گزینه نظامی علیه ایران استفاده و در نهایت تهران را مجبور به دادن امتیازات

---

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران  
(Moradi.abdolah@gmail.com)

**Orcid Code:** <https://orcid.org/0000-0003-0081-8702>

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (alipapa2727@gmail.com)

نویسنده مسئول

**Orcid Code:** <https://orcid.org/0009-0000-0338-2874>

بیشتر خواهد کرد. با گذشت زمان آمریکا نه تنها از گزینه نظامی بهره نگیرد، بلکه مقامات واشنگتن تأکید کردند در مقابله با ایران به گزینه نظامی فکر نمی‌کنند. حمله به تأسیسات نفتی آرامکو عملاً موازنه قدرت در منطقه را تغییر داد و نشان داد برخلاف تصور عربستان، آمریکا تمایلی به تقابل نظامی با ایران ندارد و یا دستکم حاضر نیست به خاطر ریاض با تهران وارد جنگ شود. همین امر مقامات ریاض را مجبور کرد در سیاست خارجی خود در مقابل تهران تجدید نظر کنند. انتخاب سیاست مذاکره و قبول میانجیگری پاکستان و عمان سیاستی بود که ریاض در قبال تهران در پیش گرفت. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و از رهیافت نظریه بازی‌ها جهت تحلیل موضوع پژوهش استفاده شده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی عربستان، برجام، حمله به تأسیسات آرامکو، ج.ا.ایران.

## مقدمه

ایران و عربستان سعودی دو کنشگر مهم در منطقه خاورمیانه هستند. به دلیل آنکه ایران و عربستان دو قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شوند و هر دو در پی بیشینه کردن نفوذ خود در منطقه هستند، مطالعه روابط میان این دو کشور برای شناخت بهتر خاورمیانه از اهمیت بالایی برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، وحشت عربستان و دیگر رژیم‌های دیکتاتور خاورمیانه از صدور انقلاب اسلامی، منجر به عناد و دشمنی آشکار و پنهان آن‌ها با ایران شد (فوربس، ۲۰۱۶). با توجه به آنکه عربستان همیشه به‌عنوان یک کشور عربی محافظه‌کار شناخته می‌شد، ریاض همواره می‌کوشید به‌صورت پنهانی به منافع ایران در منطقه ضربه بزند. از حمایت از صدام حسین، دیکتاتور وقت عراق در جنگ با ایران تا لابی‌گری در آمریکا برای نفوذ در کنگره این کشور و تصویب لوایح علیه تهران، همگی تلاش‌های مخفیانه ریاض برای مقابله با ایران بود. با مرگ ملک عبدالله، پادشاه عربستان در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵، ملک سلمان به قدرت رسید و پسرش محمد بن سلمان را به وزارت دفاع منصوب کرد. پادشاه عربستان ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ محمد بن نایف، برادرزاده و ولیعهد پیشین خود را کنار زد و پسرش محمد بن سلمان را به ولیعهدی خود منصوب کرد. ملک سلمان برخلاف سیاست‌های اسلاف خود، با کنار گذاشتن محافظه‌کاری، سیاستی تهاجمی‌تر در خاورمیانه اتخاذ کرد. از آغاز جنگ در یمن تا تحریم قطر و حمایت از ناآرامی‌های سوریه، همگی سیاست‌هایی بود که عربستان برای گسترش نفوذ خود در منطقه و ضربه زدن به منافع ایران اتخاذ کرد (ایندیندنت، ۲۰۱۶). با این وجود، اوج تقابل ریاض و تهران به موضوع هسته‌ای ایران مربوط می‌شود. از زمان مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳، عربستان به‌طور پیوسته از کشورهای غربی و جامعه جهانی خواسته است از دستیابی تهران به تسلیحات هسته‌ای جلوگیری کنند. همچنین ریاض به

لابی‌گری گسترده در کنگره آمریکا پرداخته است تا جلوی هسته‌ای شدن ایران را بگیرد. از سال ۲۰۱۵ که ملک سلمان در عربستان به قدرت رسید، مقامات ریاض آشکارا از کشیدن جنگ به داخل ایران حمایت کرده‌اند. همچنین کشتار پنج‌ساله مردم یمن در راستای سیاست تقابل نظامی با ایران و گروه‌های نیابتی این کشور در منطقه صورت می‌گیرد.

پیروزی دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶، سران عربستان سعودی را به وجد آورد. ترامپ در کارزار انتخاباتی خود بارها توافق هسته‌ای ایران را فاجعه و بدترین توافق تاریخ خوانده بود. از آنجاکه از دیرباز پادشاهان سعودی با جمهوری‌خواهان رابطه خوبی داشته‌اند و نیز لفاظی‌های بی‌سابقه ترامپ در حمله به توافق هسته‌ای ایران، مقامات ریاض متقاعد شدند آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ سیاست تقابل در مقابل ایران را در پیش خواهد گرفت. همین امر منجر به تلاش گسترده عربستان برای جلب حمایت آمریکا شد (نشنال اینترست، ۲۰۱۸). عربستان در همین دوره اقدام به امضای ده‌ها میلیارد دلار قرارداد نظامی با آمریکا کرد. ریاض همچنین متعهد شد بخش زیادی از هزینه‌های نظامی‌گری آمریکا در منطقه را متقبل شود. در ۸ می ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ اعلام کرد از توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام خارج می‌شود. با خروج واشنگتن از برجام، تحریم‌های آمریکا علیه ایران بازگشت. همچنین واشنگتن از همین تاریخ کارزار فشار حداکثری علیه ایران را به راه انداخت. بزرگ‌ترین حربه تحریمی دولت ترامپ به صفر رساندن صادرات نفتی ایران بود. سران برخی کشورهای عربی منطقه و در رأس آن عربستان سعودی به صورت تلویحی از این اقدام آمریکا حمایت کردند. در همان زمان مقامات واشنگتن اعلام کردند مقامات سعودی قول داده‌اند در صورت متوقف شدن تولید نفت ایران، برای جلوگیری از شوک به بازار انرژی، سهم تهران را در بازار جبران کنند (فایننشال تایمز، ۲۰۱۹). همین اقدام ریاض کافی بود که

تقابل عربستان و ایران وارد فاز جدیدی شود. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در همین برهه زمانی اعلام کرد اصلاً معنی ندارد نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود. اگر شما می‌توانید این کار را انجام دهید تا نتیجه آن را ببینید (تسنیم، ۱۳۹۷). با توجه به آنکه عربستان سعودی مجهز به سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت آمریکا بود، مقامات ریاض گمان نمی‌کردند تأسیسات نفتی‌شان مورد حمله قرار بگیرد. با این وجود، در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ حمله موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی آرامکو در «بقیق» و «خریض» رخ داد که باعث قطع تولید پنج میلیون بشکه نفت خام عربستان در روز شد. این میزان معادل قطع ۵ درصد از تولید نفت جهان بود و جهان را به شوک فروبرد. همچنین عربستان در ارائه نفت خام به مشتریان خود دچار مشکل شد (بلومبرگ، ۲۰۱۹). جنبش انصار الله یمن مسئولیت این حادثه را بر عهده گرفت اما مقامات غربی ایران را مسئول این حمله دانستند. سؤالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که چرا عربستان سعودی به ناگاه پس از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو سیاست خارجی خود در قبال ایران را تغییر داد؟ چرا پیش از حمله به تأسیسات آرامکو، عربستان سیاست منزوی‌سازی ایران را در پیش گرفته بود؛ ولی پس از این واقعه به سمت گفتگو با تهران پیش رفت؟ ریشه این اقدام به تصمیم دولت ترامپ در مقابله با ایران بازمی‌گردد. تا پیش از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو، عربستان سعودی امیدوار بود آمریکا از این کشور در مقابل ایران و نیروهای نیابتی‌اش حمایت کند، اما حمله به آرامکو با پاسخ نرم واشنگتن مواجه شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بارها اعلام کرده است ما در تولید نفت خود کفا شده‌ایم و دیگر به نفت خاورمیانه وابسته نیستیم. این امر به معنای آن بود که دیگر خاورمیانه برای آمریکا آن اهمیت راهبردی پیشین را ندارد. علی‌رغم قراردادهای سنگین نظامی میان عربستان و آمریکا، در نهایت واشنگتن ریاض را در مقابل تهران تنها گذاشت. دولتمردان آمریکایی به دلیل شرایط داخلی این کشور حاضر به اتخاذ سیاست تهاجمی در قبال ایران

نیودند. همین امر موضع ضعف عربستان سعودی را آشکار کرد زیرا ریاض از قدرت نظامی کافی برای هماوردی با تهران برخوردار نبود و در مقابل به شدت به حمایت واشنگتن متکی بود. با از دست دادن حمایت آمریکا، عربستان به این امر واقف شد که در مقابل ایران و نیروهای نیابتی این کشور تنهاست. عربستان سعودی پس از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو با چرخش در سیاست خارجی خود درباره ایران، از سیاست تقابل و دشمنی، به سمت سیاست گفت‌وگو و تعامل با تهران پیش رفت. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان که پیش‌تر سیاست‌های تقابلی با ایران را در پیش گرفته بود، پس از حمله نیروهای یمنی به تأسیسات نفتی آرامکو، گفت‌وگوهای غیرمستقیم با ایران را آغاز کرد (نیویورک تایمز، ۲۰۱۹). دو کشور پاکستان و عمان پس از حمله به آرامکو اقدام به میانجیگری میان ایران و عربستان کردند. شاه محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان و عمران خان، رئیس‌جمهور این کشور با سفر به تهران و ریاض پیام‌هایی را میان دو طرف ردوبدل کردند. همچنین یوسف بن علوی، وزیر خارجه عمان با سفر به تهران و ریاض، حامل پیام‌هایی برای کاهش تنش میان دو طرف بود.

### روش پژوهش

#### بازی جوجه (قمری - شاهین)

«بازی جوجه»، که با نام شاهین - قمری نیز شناخته می‌شود، یک مدل برای بررسی مقابله‌های دو بازیکن در نظریه بازی‌ها است. در ساده‌ترین حالت نتیجه بازی این است که در شرایطی که دو بازیکن تمایلی به تسلیم شدن در مقابل دیگری ندارد، بدترین نتیجه این است که هیچ‌کدام تسلیم نشوند. بهره‌برداری از شرایط موجود و ایجاد بازی در جهت کنترل شرایط و کاهش هزینه‌های پیش‌رو موجب توسعه بیش‌ازپیش نظریه بازی‌ها در اتخاذ تصمیمات راهبردی

کشور در سطوح بالای سیاست گذاری گردید (نهادنویان و لطفی، ۱۳۹۲). انتخاب واژه «جوجه» برای این بازی ریشه در یک بازی خیابانی دارد که در آن دو راننده به سمت هم در یک امتداد با سرعت زیاد حرکت می‌کنند و یکی باید از مسیر خارج شود وگرنه هر دو باهم برخورد می‌کنند و کشته می‌شوند. در حالتی که یکی از راننده‌ها خود را از مسیر خارج کند، آن راننده بازنده است و او را به خاطر ترسو بود «جوجه» خطاب می‌کنند! و راننده‌ای که در مسیر باقی‌مانده بود برنده اعلام می‌شود. از این واژه در توضیح مناسبات اقتصادی و سیاسی در جهان زیاد استفاده می‌شود.

بازی «جوجه» در تحقیقات مربوط به نظریه بازی‌ها توجه‌های زیادی را به خود جلب کرده است. نتایج هر دو نسخه از بازی در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده‌اند: در جدول ۱ نتایج با لغات مشخص شده‌اند، هر بازیکن تمایلش به برنده شدن بیشتر از به تقسیم منابع، و تمایلش به تقسیم منابع بیشتر از باختن، و تمایلش به باختن بیشتر از تصادف کردن است. در جدول ۲ مقادیر دلخواهی برای نتایج نشان داده شده است که به لحاظ نظری با نتایج بازی تطابق دارد. در اینجا امتیاز برد ۱، امتیاز باخت -۱، و امتیاز تصادف -۱۰ است.

جدول ۱. نتایج بازی جوجه به صورت توصیفی و کمی

		نفر دوم	
		منحرف نشدن	منحرف شدن
نفر اول	منحرف شدن	برد، باخت	منحرف شدن
	منحرف نشدن	تصادف، تصادف	منحرف نشدن
		۱+ و ۱-	۰ و ۰
		۱۰- و ۱۰-	۱+ و ۱-

بازی «جوجه» از جمله بازی‌های «غیر هماهنگ»<sup>۱</sup> هستند که در آن به نفع هر دو بازیکن است که از استراتژی‌های متفاوت استفاده کنند. منظور از غیر هماهنگ این است که برخلاف بقیه بازی‌ها که معمولاً در آن‌ها یک روش نسبت به بقیه روش‌ها برتری خاصی دارد، در این بازی نمی‌توان یک استراتژی را به‌عنوان «استراتژی غالب»<sup>۲</sup> انتخاب کرد. ایده پایه‌ای این است که بازیکنان بر سر یک منبع مشترک رقابت می‌کنند. در بازی‌های هماهنگ به اشتراک‌گذاری منابع باعث افزایش سود هر بازیکن می‌شود، بر سر منابع رقابتی نیست و تقسیم منابع نتایج بهتری خواهد داشت. در بازی‌های غیر هماهنگ بر سر منابع رقابت است و به اشتراک‌گذاری باعث ضرر می‌شود. در خصوص بازی جوجه، چون از دست دادن امتیاز منحرف شدن از جاده، بسیار کمتر از تصادف است، تصمیم منطقی که به ذهن می‌رسد این است که هر وقت احتمال تصادف بالا رفت باید از جاده منحرف شد. اما در همین حال می‌توان راننده مقابل را منطقی تصور کرد و فرض کرد که او نیز کسی است که تصمیم منطقی را می‌گیرد و به هنگام بالا رفتن احتمال تصادف خود را از جاده منحرف می‌کند.

ایران (I) / عربستان (A)

استراتژی‌ها:

I1 تنش‌زدایی و مذاکره از سوی ایران

I2 تشدید تنش و تقابل از سوی ایران

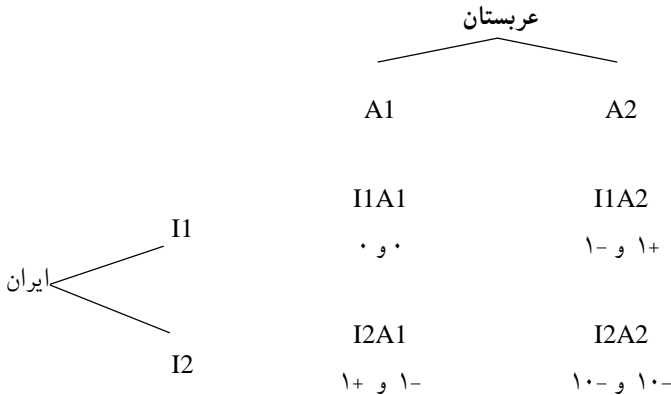
A1 تنش‌زدایی و مذاکره از سوی عربستان

A2 تشدید تنش و تقابل از سوی عربستان

<sup>۱</sup> Incorporation Games

<sup>۲</sup> Dominant Strategy

جدول ۲. نتایج بازی جوجه به صورت توصیفی و کمی



جدول ترتیب اولویت ایران و عربستان

عربستان	ایران	نتیجه	ترتیب اولویت
مذاکره و کاهش تنش	تقابل و تشدید تنش	I2A1	بهترین
مذاکره و کاهش تنش	مذاکره و کاهش تنش	I1A1	بهترین دوم
تقابل و تشدید تنش	مذاکره و کاهش تنش	I1A2	بدترین دوم
تقابل و تشدید تنش	تقابل و تشدید تنش	I2A2	بدترین

به دلیل وضع تحریم‌های سنگین علیه ایران، به نفع تهران است که با تشدید تنش‌ها در منطقه خاورمیانه، هزینه اقدامات آمریکا و متحدانش در منطقه را افزایش دهد. بی‌شک حمله به تأسیسات نفتی آرامکو از سوی جنبش انصارالله یمن که به نوعی متحد ایران محسوب می‌شود، با افزایش بهای نفت در بازار جهانی، هزینه اقدام آمریکا در تحریم نفتی تهران را بالا برد. تشدید تنش‌های این‌چنینی می‌تواند علاوه بر بالا بردن بهای نفت در بازار جهانی، این پیام را به

دولتمردان آمریکا بدهد که اقدامات آن‌ها علیه تهران بدون هزینه نخواهد بود. از سوی دیگر، برای عربستان بهترین استراتژی در هر صورت مذاکره و کاهش تنش با ایران است زیرا آمریکا به‌عنوان متحد این کشور علاقه‌ای به مداخله نظامی علیه تهران به نفع ریاض را ندارد. همچنین به دلیل قتل «جمال خاشقجی»، روزنامه‌نگار منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول، جنگ یمن و نیز دست داشتن شهروندان سعودی در عملیات متعدد تروریستی در اقصا نقاط جهان، افکار عمومی آمریکا و نمایندگان کنگره دیدگاهی ضد سعودی دارند و به نظر نمی‌رسد دولت ترامپ بتواند اقدام قابل‌توجهی برای تقابل با ایران در راستای منافع سعودی‌ها انجام دهد. همچنین ریاض در منطقه در مقابل ایران در موضع ضعف قرار دارد و در هر حال مذاکره و کاهش تنش برای این کشور استراتژی خوبی محسوب می‌شود. بدترین گزینه برای هر دو کشور نیز اتخاذ استراتژی تقابل و تشدید تنش است. این امر پیش‌تر باعث جنگ در سوریه و یمن شده است. همچنین کشور عراق شاهد تقابل دو کشور بوده که این امر به نارضایتی بغداد منجر شده است. لبنان عرصه دیگری برای تقابل عربستان و ایران است. جریان «المستقبل» لبنان به ریاست «سعد الحریری» به‌صورت مستقیم از سوی ریاض حمایت می‌شود. حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک گروه قدرتمند سیاسی و با شاخه نظامی آن یعنی «مقاومت اسلامی» نیز از حامیان ایران است. تقابل این دو جریان در لبنان و دخالت‌های مستقیم عربستان عملاً باعث تشدید درگیری‌های داخلی و اعتراض‌های گسترده در این کشور شده است. به نظر می‌رسد علیرغم تلاش دو کشور برای ضربه زدن به منافع یکدیگر در منطقه، ریاض و تهران به این نتیجه رسیده‌اند که ادامه این روند برای هر دو طرف پرهزینه است.

### نتیجه‌گیری

عربستان سعودی و ایران دو کنشگر بزرگ در منطقه خاورمیانه هستند. ریاض

پس از روی کار آمدن ملک سلمان در سال ۲۰۱۵، با کنار گذاشتن سیاست محافظه‌کاری می‌کوشد به پشتوانه آمریکا به منافع ایران در منطقه ضربه بزند. با این حال، ایران نیز با نیروهای نیابتی خود در منطقه توانسته است ضربات دردناکی به منافع عربستان وارد کند. با توجه به همراهی عربستان با سیاست‌های آمریکا در کارزار فشار حداکثری علیه ایران، بهترین استراتژی برای تهران این است که با ضربه به منافع عربستان، هزینه اقدامات آمریکا علیه خود را افزایش دهد. از سوی دیگر، عربستان سعودی بازنده بزرگ تشدید تنش با ایران در منطقه است. از یک طرف، ریاض به دلیل ضعف در مقابل تهران، نمی‌تواند به اقدامات این کشور آن‌گونه که باید پاسخ دهد و عملاً در مقابل اقدامات ایران و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه به شدت آسیب‌پذیر است. از طرف دیگر، آمریکا به عنوان متحد عربستان حاضر به تقابل با ایران به نفع ریاض نیست. حمله به تأسیسات نفتی آرامکو نشان داد دولت ترامپ به هیچ‌عنوان حاضر به انتخاب گزینه نظامی در مواجهه با ایران نیست. همین امر باعث شد عربستان به میانجیگری کشورهای عمان و پاکستان برای کاهش تنش با ایران تن دهد. با توجه به تحریم‌های گسترده‌ای که آمریکا علیه ایران اعمال کرده است، اتخاذ سیاست تقابل برای تهران هزینه‌بر است. با این حال، تهران باید بکوشد به دلیل جنگ اقتصادی که واشنگتن علیه این کشور به راه انداخته است، هزینه اقدامات دولت ترامپ را افزایش دهد. بهترین استراتژی برای ایران افزایش تنش‌ها در منطقه برای بالا بردن هزینه اقدامات دولت ترامپ است. در درجه بعدی دومین سیاستی که برای تهران مناسب است اتخاذ سیاست مذاکره و کاهش تنش است به شرطی که عربستان به تشدید تنش‌ها در منطقه دامن نزند. از همین رو، پذیرش میانجیگری پاکستان و عمان برای حل اختلاف میان دو طرف می‌تواند در این برهه زمانی برای هر دو کشور مفید باشد و از تشدید بیشتر تنش‌ها جلوگیری کند.

## منابع

### فارسی

- خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷، روحانی در سوئیس: معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و نفت منطقه صادر شود. ۱۲ تیر. <https://nurl.ir/IX9v5kd>
- نهاوندیان، محمد؛ لطفی، محمد (۱۳۹۲) نظریه بازی ها و تحریم اقتصادی ایران (ارائه مدل مفهومی)، *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۵

## References

- David Gardner (2019), *Donald Trump's 'maximum pressure' campaign against Iran has backfired*. September 25. <https://www.ft.com/content/c3b5d72a-df82-11e9-b112-9624ec9edc59>
- Farnaz Fassihi and Ben Hubbard (2019), Saudi Arabia and Iran Make Quiet Openings to Head off War. *The New York Times*. October 4. <https://www.nytimes.com/2019/10/04/world/middleeast/saudi-arabia-iran-talks.html>
- Nayla Razzouk, Javier Blas, and James Thornhill (2019), *Speed of Saudi Oil Recovery In Focus After Record Supply Loss*. September 16. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-09-15/saudis-race-to-restore-oil-output-after-crippling-aramco-attack>
- Panos Mourdoukoutas (2016), **Saudi Arabia's Worst Fear About Iran**. *Forbes*. January 20. <https://www.forbes.com/sites/panosmourdoukoutas/2016/01/20/saudi-arabias-worst-fear-about-iran/#15fffa75492d>
- Patrick Cockburn (2016), *Prince Mohammed bin Salman: Naive, arrogant Saudi prince is playing with fire*. January 9. <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/prince-mohammed-bin-salman-naive-arrogant-saudi-prince-is-playing-with-fire-a6804481.html>
- Samuel Ramani (2018). *Why Saudi Arabia Stands to Lose from Trump's JCPOA Withdrawal*. May 21. <https://nationalinterest.org/feature/why-saudi-arabia-stands-lose-trumps-jcpoa-withdrawal-25910>